



## ۳۰ خرداد چهلمین سالگرد مقاومت، مرز بندی تاریخی بین آزادی و استبداد دینی

مریم رجوی: نه شاه با آوردن ازهاری نجات یافت، نه شیخ با آوردن رئیسی نجات پیدا می کند

**۳۰ خرداد ۱۴۰۰**

هموطنان!

تبریک تاریخی به شما مردم ایران برای تحریم سراسری نمایش انتخابات آخوندی. این بزرگترین شلیک سیاسی و اجتماعی رودرروی خامنه ای و استبداد دینی است. ثابت شد و دنیا به چشم دید که رأی مردم ایران سرنگونی است.

این جوشش خون شهیدان و پرتوی از کارزار بزرگ دادخواهی ملت ایران است.

قرار گرفتن جلاد قتل عام و یک جنایتکار علیه بشریت در مقام ریاست جمهوری رژیم، علامت درماندگی و نقطه پایان و سرنگونی است. رئیسی باید در دادگاه بین المللی در برابر عدالت قرار بگیرد.

دیکتاتوری دینی از این انتخابات رسوا، ضعیف تر و شکننده تر بیرون می آید و با جلاد قتل عام به جنایت های بیشتر دست می زند. اما سرانجام با قیام مردم و ارتش آزادی سرنگون می شود. آزادی و جمهوری دمکراتیک حق مسلم مردم ایران است.

**۴۰ سال پایداری**

هموطنان عزیز، دلیران کانون های شورشی، مجاهدین خلق ایران!

در منتهای افتخار و شرف، مقاومت میهنی و آزادی ستان مردم ایران در برابر هیولای استبداد دینی ۴۰ ساله شد.

امروز سالروز آغاز مقاومت سراسری در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ است. روز شهیدان و زندانیان سیاسی و روز تأسیس ارتش آزادی بخش ملی ایران.

روز ۳۰ خرداد، روز بزرگ ایستادگی بر مرز بندی تاریخی میان استبداد و آزادی است که تاریخ

۴۰ساله را درخشان و تابان کرده است. ۴۰سال پایداری در برابر سرکوب و قتل‌عام و شیطان‌سازی، ۴۰سال مقاومت برای برپایی و پیشروی جایگزین دموکراتیک و ۴۰سال مبارزه بی‌امان و برافراشتن بی‌وقفه پرچم سرنگونی فاشیسم دینی. آری این است عزم راسخ مقاومت ما برای آزادی و شکوه نبرد آزادی‌ستان.

اعلام موسسان پنجم ارتش آزادی، گویای اعتلای مقاومت برای سرنگونی رژیم است؛ درست در نقطه مقابل آخوندها که با به کرسی نشاندن جلاد منفور ۶۷، از احتضار رژیم‌شان پرده‌برداری کرده‌اند. این یک نقطه عطف و چرخش بزرگ اوضاع به‌سوی سرنگونی رژیم آخوندی است.

### ۳۰خرداد، مهم‌ترین سرفصل

۳۰خرداد، عید سرخ‌فام مقاومت، سالروز قیام ۵۰۰هزار تن از مردم تهران در اعتراض به خمینی و ارتجاع حاکم است. ۳۰خرداد امتداد آرمان‌های مردمی و آزادی‌خواهانه انقلاب بهمن است که خمینی آن را به مسلخ ارتجاع و استبداد کشاند.

در فاز مبارزات روشنگرانه سیاسی مجاهدین به مدت دو سال و نیم با انضباط بی‌نظیر و تحمل فوق‌العاده چوب و چماق و شلاق و سرکوب و اعدام، تا فراسوی طاقت، برای مسالمت و برای استمرار یک زندگی مسالمت‌آمیز سیاسی دست‌های‌شان را به هم زنجیر کردند و کوشیدند و کوشیدند...

به همین منظور در آن روزگار، روزی نبود که مسعود رجوی با آخوندهای دانه‌درشت و سردمداران تازه به‌دوران رسیده رژیم و یکایک اعضای شورای انقلاب خمینی بحث و دیدار و گفتگو نداشته باشد. هفته‌یی نبود که در آن بارها با پسر خمینی (احمد) که نقش وزیر دربار پدرش را داشت، ملاقات یا صحبت تلفنی نداشته باشد. اما پاسخ خمینی چماق و دشنه و گلوله بود. او تا قبل از سی خرداد ۵۴ نفر از مجاهدین را در تهران و شهرستان‌ها کشت و هزاران نفر دیگر را به زندان فرستاد. زیرا مجاهدین حاضر به کوتاه آمدن از مرزبندی با ارتجاع و کوتاه آمدن از آرمان آزادی برای خلق‌شان نبودند.

مجاهدین برای حفظ حداقل آزادی‌های سیاسی باقی‌مانده از انقلاب بهمن تلاش می‌کردند و خمینی برای حاکمیت یکپایه ارتجاع و اختناق عجله داشت. او در ۳۰خرداد، تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم تهران را به خون کشید و فردای آن روز دختران ۱۶ساله را بدون آن‌که هویت آن‌ها را بداند، تیرباران کرد. او به‌دست خود بر مشروعیت گذرای رژیم‌اش نقطه پایان گذاشت.

این واقعه بعد از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مهم‌ترین سرفصل و واقعه پرتأثیر سده‌یی است که در پایان آن هستیم. به همین دلیل ۳۰ خرداد هم چنان زنده و جوشان است و الهام‌بخش مبارزه و قیام علیه استبداد دینی است.

۳۰ خرداد برخاسته از نظرگاه ایدئولوژیکی و سیاسی راهنمای عمل مجاهدین است: این که دیکتاتوری دینی تضاد اصلی جامعه ایران و آزادی کلمه نجات است.

از یاد نمی‌بریم که در سال‌های اول حکومت خمینی، چگونه جبهه متحدین ارتجاع از جمله مرتجعان چپ‌نما، مجاهدین را به خاطر پافشاری بر آزادی نکوهش می‌کردند و حزب توده به مسعود رجوی طعنه می‌زد که چرا مقوله آزادی را موضوع عشق و پرستش خود کرده است. بله، مقاومت ما سر به پای فرشته آزادی گذاشته و تمام هستی خود را نثار می‌کند تا ایران و مردم ایران آزاد شوند.

۳۰ خرداد، یادآور حقیقت نظری و سیاسی برجسته‌یی است که امروز بر همگان اثبات شده است: و آن این که افعی کبوتر نمی‌زاید و رژیم ولایت فقیه هرگز اصلاح‌پذیر نیست. هرگز قابلیت میانه‌روی ندارد و هرگز تن به انتخابات آزاد نمی‌دهد.

برای اثبات همین حقایق و ترسیم مرزهایی که امروز برای همه روشن شده، مجاهدین در این ۴۰ سال دریایی از خون نثار کردند. والا هنوز هم نظریات فرسوده ارتجاعی و اپورتونیستی خریدار می‌داشت که مجاهدین خلق نمی‌باید بی‌موقع دست به مقاومت و اسلحه می‌بردند! یعنی که باید مانند حزب توده بعد از ۲۸ مرداد به شرایط تسلیم می‌شدند و ندامت پیشه می‌کردند.

مسعود رجوی درست رو در روی نظرگاه‌های ارتجاعی و اپورتونیستی، مبلغ و پرچمدار مقاومت حداکثر و جنگ صبرابر بود و هر چیز غیر از این را خاک پاشیدن در چشم خود و توده‌های مردم گرفتار آمده در چنگال ولایت فقیه می‌دانست.

راستی خیمه‌شب‌بازی اصلاحات در فاشیسم دینی به کجا رسید؟ دغل‌بازی آخوند خاتمی چه شد و شیادی آخوند روحانی چه نتیجه‌یی داشت؟ و امروز جلاد قتل‌عام روی دوش‌های چه کسانی به ریاست جمهوری رسیده است؟

### مقاومت یا تسلیم؟

۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا ۳۰ خرداد ۱۴۰۰، حکایت چهار دهه نبرد رشیدترین فرزندان مردم ایران با پلیدترین دیکتاتوری تاریخ ایران است.

آن روز هم در برابر فاشیسم دینی یک سوال بیشتر نبود: مقاومت یا تسلیم؟ جنگ یا نجنگ؟ و راستی که بدون مقاومت و جنگ با فاشیسم دینی، تاریخ ایران چیزی برای افتخار و مباهات در برابر ولایت فقیه و خمینی و خامنه‌ای نداشت.

چهار دهه نبرد با نشیب و فرازهای آن، با فرازناهای انتخاب بین قیمت دادن یا بی‌هزینگی، بین ریسک‌پذیری یا محافظه‌کاری، بین ایستادگی بر سر اصول مبارزاتی یا فرصت‌طلبی و اپورتونیسم. و البته این نسل چه زیبا انتخاب کرد، و در دل تمام مهلکه‌ها به آتش زد؛

از تخت‌های شکنجه، از تهمت‌ها، لجن‌پراکنی‌ها و از چوبه‌های دار نهراسید و شگفتا که در مقابل تمامی حمله‌ها و دروغ‌ها و توطئه‌های شیطانی، مومن‌تر و مصمم‌تر به راهش ادامه داد.

راستی این چهار دهه با کدامیک از نبردهای سهمگین تاریخ ایران قابل مقایسه است؟ به نظر می‌رسد به خاطر فدای بیکران و طول زمان و شرایط بغرنج و رودررویی با دجالیت دینی تحت نام اسلام، به راستی برتارک تاریخ ایران می‌درخشد.

نبرد در برابر حاکمیت هیولای ارتجاع، با همه متحدانش از آن‌ها که دشنه‌هایش را تیز می‌کنند، تا واماندگان و تسلیم‌شدگان و مماشات‌گران پشتیبان آن. این نمونه تاریخی جدیدی است که البته قیمت آن بسیار سنگین بوده و هست.

جبهه عظیم و شگفتی که بیش از چهار دهه با راهبری مسعود رجوی هم‌چنان می‌رزمند و راه می‌پیمایند. با کهکشان شهیدان و قتل‌عام‌شدگان و زندانیان‌اش و با رزمندگانی که حاضرگویان هزار بار مصمم‌تر به پیش می‌تازند.

۳۰ خرداد، جنبش پرتوانی را نمایندگی می‌کند که مهم‌ترین نهادهای مبارزاتی ایران در چهاردهه گذشته را بنا کرده است؛

شورای ملی مقاومت ایران، این جایگزین دمکراتیک رژیم که حیات سرفرازانه‌اش، بزرگ‌ترین نه تاریخی مردم ایران به رژیم‌های شاه و شیخ است، ارتش آزادی بخش ملی که نیروی جنگنده ضد رژیم را نسل در نسل به نبرد و مقاومت و قیام بر می‌انگیزد، پایداری اشرف و لیبرتی، برپایی هزار اشرف و کانون‌های شورشی، آن هم در زیر حاکمیت اختناق و سرکوب و تشکیل شورای مرکزی مجاهدین، با هزار زن انقلابی مجاهد خلق که در مقابل زن ستیزترین حکومت تاریخ ایران و جهان، پیشتازی زن ایرانی در مبارزه برای سرنگونی رژیم را نمایندگی می‌کند.

آری، با همین آفرینش‌ها و همین راه‌گشایی‌هاست که تار و پود مقاومت این چهل سال، سرشته

شده و قوام یافته است.

خمینی در آستانه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ خطاب به مجاهدین گفت: «من اگر در هزار احتمال، یک احتمال می‌دادم که شما دست بردارید از آن کارهایی که می‌خواهید انجام بدهید حاضر بودم با شما تفاهم کنم...»

در تابستان ۱۳۶۷ خمینی حکم قتل عام زندانیان مجاهد و مبارز را صادر کرد. حکمی که در حقیقت وصیت‌نامه اصلی اوست و این جمله کلیدی، وصیت او به کل رژیم است که همه کسانی که «برسر موضع "مجاهدی" خود پافشاری کرده و می‌کنند محارب و محکوم به اعدام می‌باشند».

### ۳۰ خرداد، اسم رمز بن‌بست شکنی

در تمام این چهار دهه، شعار اصلی و محوری رژیم مرگ بر مجاهد (و به زبان خودشان مرگ بر منافق) بوده است. رژیم در این ۴۰ سال با سرکوب و تطمیع و تهدید، همه مدعیان را از سر راه برداشت. اما در این هدف که قطب انقلابی و مردمی مقابل خود را از بین ببرد، شکست خورد. در برابر ریشه‌های گسترده مجاهدین و مقاومت در اعماق جامعه ایران، در برابر حقانیت خطوط سیاسی و استراتژیکی این مقاومت و در مقابل اسلام‌رهای بخش و ضدارتجاعی و ضداستثماری مجاهدین شکست خورد.

آری آخوندها، در برابر حقانیت و اصالت مجاهدین و راهبر آن‌ها شکست خوردند. او که تاریخ این چهل ساله را به مدرسه انقلابی سیاست بر پایه شرافت تبدیل کرده و نامش پیوسته مبارزه و مقاومت و قیام برای آزادی را تداعی می‌کند.

چنین است که ۳۰ خرداد اسم رمز بن‌بست شکنی است. مظهر نظرگاه‌رهای بخشی است که مقاومت‌کردن به هر قیمت را مایه ماندگاری و پیشرفت می‌داند. سمبل نسلی است که پرداخت کردن و بدهکاری را منش خود کرده و ضد اپورتونیسیم و فرصت‌طلبی است. فراخوان دائمی به‌برپایی انقلاب دمکراتیک و جمهوری دمکراتیک است و چنان‌که مسعود رجوی گفت: ۳۰ خرداد با همه درخشش و سرخ‌فامی‌اش، حد فاصل و شاخصی شد برای دموکراسی و دیکتاتوری و سرمشقی است برای آنچه که باید کرد.

### شعبده انتخابات رژیم، احتضار سیاسی و موقعیت سرنگونی

شعبده انتخابات رژیم، با نشاندن جلاد ۶۷ و قاتل مجاهدین بر کرسی ریاست جمهوری، تلاش

محکوم به شکست برای نجات رژیم ولایت فقیه است. اما نه دیکتاتوری شاه با آوردن ازهاری نجات یافت، نه دیکتاتوری خامنه‌ای با آوردن رئیسی، جلاد ۶۷ نجات پیدا می‌کند.

هیچ تحولی در درون رژیم بیش از این نمی‌تواند احتضار سیاسی و موقعیت سرنگونی را آشکار کند.

او راه‌حل نیست. بلکه مظهر بن‌بست و نداشتن راه حل است. مبین آن است که خامنه‌ای حتی به وفادارترین عناصر باند وابسته به خود هم، اعتماد ندارد و فقط کسی می‌تواند رئیس‌جمهور رژیم باشد که سراپا در قتل‌عام مجاهدین فرو رفته باشد. بنابراین خامنه‌ای، هم رسوایی آوردن چنین کسی را به‌جان خرید؛ و هم رسوایی کسادی انتخابات نمایشی را.

مردم ایران با تحریم یکپارچه شعبده انتخابات، اراده متحد خود برای سرنگونی رژیم را نشان دادند. این تحریم فراگیر آن روی سکه قیام عظیم آبان ۹۸ است و در آن صدای پای قیام‌هایی شنیده می‌شود که در راهند.

می‌بینید که جامعه ایران هنوز به شدت جریحه‌دار کشتار بزرگی است که به دستور مستقیم خامنه‌ای در آبان ۹۸ صورت گرفت. در آن زمان مقاومت ایران شمار شهیدان را ۱۵۰۰ نفر اعلام کرد. اما تحقیقات دانشگاهی اخیر در آمریکا و انگلستان که از قضا توسط محققان ایرانی صورت گرفته، نشان می‌دهد که شمار شهیدان قیام آبان بیش از سه برابر این رقم است.

بنا به این تحقیقات که با دقت قابل توجهی انجام شده، شمار درگذشتگان در آبان ۹۸ به نسبت ماه مهر همان سال، ۴۲۰۰ نفر و به نسبت ماه آذر، ۴۹۰۰ نفر بیشتر بود. بنابراین آمار واقعی شهیدان، سه برابر بیشتر از ۱۵۰۰ نفری است که بعد از قیام از سوی مجاهدین اعلام شد.

ما پیش از این، بارها خواستار انجام یک تحقیق رسمی بین‌المللی درباره کشتار آبان شده‌ایم. روشن شدن شمار واقعی شهیدان، ضرورت این تحقیق را بیشتر و بیشتر می‌کند. البته به‌رغم همه این کشتارها، خامنه‌ای هم‌چنان شب و روز از ترس فوران قیام‌های بعدی به‌خود می‌لرزد.

برای خط بستن در مقابل همین قیام‌ها، خامنه‌ای از یک طرف راه گسترش کرونا را باز گذاشت و تا امروز باعث از دست رفتن جان بیش از ۳۰۰ هزار هموطن ما شد و از طرف دیگر به انتصاب جلاد ۶۷ دست زد.

او بیشتر از هر کسی در این رژیم، از پوسیدگی و ناتوانی حکومتش و هم‌چنین آمادگی اجتماعی

برای سرنگونی رژیم مطلع است. بنابراین به لاک تدافعی خود پناه برده و به بستن شکاف در رأس رژیم و جنگ با جامعه ایران و جامعه بین‌المللی رو آورده است. بعد از قیام‌های سال ۹۶ و ۹۷ خامنه‌ای «بیانیه گام دوم» ارتجاع را اعلام کرد و در آن خطوط تدافعی رژیم‌اش را ترسیم کرد. حذف جناح رقیب از مجلس ارتجاع، کشتار قیام‌کنندگان آبان، استراتژی کلان تلفات در قبال بیماری کرونا، هجوم‌بردن به سفره‌ها و جیب‌های مردم، موشک‌پرانی به کشتی‌ها و نفتکش‌ها یا مراکز کشورهای همسایه و آمریکا، و افسار پاره‌کردن در برنامه اتمی. همه این‌ها اجزای یک استراتژی است که نماد سیاسی آن رئیس‌جمهورشدن جلاد ۶۷ است.

### از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ دو قطب بیشتر وجود ندارد

اما این استراتژی نه پشتوانه اجتماعی-اقتصادی دارد و نه پشتوانه بین‌المللی. این استراتژی شکننده‌کردن رژیم است و تشدید چندین و چند برابر تضاد میان جامعه ایران با رژیم. به قول مسعود رجوی، «این علامت اعلام جنگ آشکار و مضاعف با مردم ایران از سوی دزد بزرگ حاکمیت است. از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ دو قطب بیشتر وجود ندارد: جبهه خلق و مقاومت و آزادی در برابر ولایت فقیه و جبهه ارتجاع و دیکتاتوری و حفظ نظام و رژیم قتل‌عام».

حالا در چهلمین سالگرد مقاومت، رژیم در گرداب سرنگونی دست و پا می‌زند. آن قدر که سرنوشت خود را به جلاد پلیدی گره زده که نام و نشانش معرف پایان کار رژیم است.

خوشبختانه امروز مهم‌ترین نهادهای غیردولتی مدافع حقوق بشر با مردم ایران در مورد ضرورت پیگیری رئیسی جلاد همراه و هم صدا شده‌اند. دبیر کل سازمان عفو بین‌الملل، خانم کالامار، گفت: «رئیس‌ی به جای قرار گرفتن تحت تحقیقات کیفری به خاطر جنایت علیه بشریت، در منصب ریاست جمهوری قرار گرفته است، این نمودی فجیح از قصور جامعه بین‌المللی در رسیدگی به بحران مصونیت ساختاری در ایران است».

اکنون در سال ۱۴۰۰، بعد از یک سده، صفحه تاریخ ایران که با نام‌های پرننگ و عاری هم‌چون سرپاس مختاری و ثابتی و لاجوردی و رئیسی و رضاخان و شاه و خمینی و خامنه‌ای شناخته می‌شد، در حال ورق خوردن است.

تاریخ پرافتخاری که ۳۰ خرداد مظهر آن است. با حماسه‌های درخشانی هم‌چون عاشورای اشرف و موسی و فروغ جاویدان و پایداری اشرف و هزار قیام خونین از ۳۰ خرداد و قیام‌های مشهد و قزوین تا عاشورای ۸۸ و قیام دی ۹۶ و آبان ۹۸ شناخته می‌شود.

بله، کهکشان قیام‌ها تا روز سرنگونی و دادخواهی شهیدان قتل‌عام ادامه دارد. بذر خون آن دختران و پسران پانزده شانزده ساله معصوم که حتی اسم‌شان را نگفتند و در فردای ۳۰ خرداد به دستور خمینی اعدام شدند، همه جا سرسبز شده و به صورت کانون‌های شورشی در شهرهای ایران به‌پاخاسته‌اند. نام‌های جاودانی که زینت چهلمین سالگرد ۳۰ خرداد است. مجاهدانی که در روز ۳۰ و ۳۱ خرداد ۶۰ جاودانه شدند.

مانند:

مقصود آخریان، ابراهیم ابراهیمی، زهرا ابراهیمیان، کبری ابراهیمیان، رامین ارسطافر، عارف اقبال، منوچهر اویسی، داوود پور نصیری، غلامعلی جعفری، سیدرضا جمشیدی، آریا حدیدی، محمد اسماعیل حسین زاده، حوری درودی، رامین دشتی، طاهره ده‌حقی، علی دهقانی‌نژاد، حبیبه ذوالفقاری، محمدرضا رمزی سهرابی، ندیم الکریم روحی طیب آبادی، علی اصغر زهتابچی، رسول زینالزاده، سعید سرایدار، کوروش سیفی، مریم شاکری، غلام صداقت، منوچهر طلایی، پروانه ظهیری، علی غفوری، فاطمه فاضل‌زاده، محمد جعفر فکوری، راضیه قبادپور، جعفر قنبرنژاد، حمیدرضا کریمی گرگانی، زینب محمودی، سعید مدغم، سیدحسین مرتضوی، سیدحسین معصومی، مهدی مفرح، منوچهر مکلاهی، محمود مکوندی، محمد ملک، رضا نثاری، زهرا نژاد ایمانی، محمد نعمت پور، محمد نعمت‌زاده و رامین نقاش‌زاده.

این است ستارگان پرفروغ نسلی که پرچم سرنگونی رژیم را یک روز و یک ساعت هم بر زمین نگذاشته است. این پرچم به‌طور قطع و یقین بر ویرانه‌های بیت‌خامنه‌ای به اهتزاز در می‌آید. فریاد یک صد و بیست هزار شهید آزادی به گوش می‌رسد. این صدای کانون‌های شورشی و ارتش آزادی و موسسان پنجم آن است. این صدای پای قیام‌های بنیان‌کنی است که طنین آن، سراسر جامعه را ملتهب و سراپای رژیم را وحشت‌زده کرده است.

آن‌ها می‌آیند و ۳۰ خرداد و همه قیام‌ها و مقاومت‌های ۴۰ ساله را به‌پیروزی می‌رسانند. آری، حکومت اعدام و قتل‌عام سرنگون می‌شود و مردم ایران پیروز می‌شوند.

سلام بر آزادی

سلام بر شهیدان